

---

## مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی محلات ۱۳ گانه

### شهرداری منطقه ۱۲

مسعود مباشر امینی<sup>۱</sup>

#### چکیده

در پژوهش حاضر قصد آن داریم جدایی‌گزینی فضایی و تاثیر آن را در شکل‌گیری خرده فرهنگ جرم را بطور موردی در محلات سیزده‌گانه شهرداری منطقه ۱۲ بررسی نماییم، بر این اساس هدف اصلی تحقیق بررسی نظری عوامل موثر بر جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر و آثار آن که به شکل‌گیری خرده فرهنگ جرم را از طریق آزمون تجربی و استناد به اسناد و آمار و یافته‌های مرتبط به پژوهش است. در این راستا تحقیق حاضر حاوی دو سوال عمده است؛ ابتدا رابطه فضا و نابرابری اجتماعی و دلالت‌های آن بر جدایی‌گزینی‌های فضایی و دیگری تمرکز فقر و اثر آن بر پیدایش خرده فرهنگ کجرو می‌باشد. از این رو سعی بر آن شده است تا با تنظیم پرسشنامه‌ای حاوی سوالات عمومی و اختصاصی ضمن اطلاع از وضعیت عمومی به طور خاص درآمد و پایگاه اقتصادی، اجتماعی ساکنان چهار محله هرندی، سنگلج، پامنار و امام زاده یحیی که بر پایه شاخص قیمت مسکونی انتخاب شده‌اند با طرح سؤالات اقتصادی به سنجش گرایش به خرده فرهنگ کجرو در بین سرپرست‌های خانوار ساکن بپردازیم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، آمار فراوانی و توصیفی سؤالات عمومی بویژه آمار مربوط به شاخصهای جدایی‌گزینی فضایی و اقشار گروههای مختلف اجتماعی، در حد قابل توجهی تاثیر جدایی‌گزینی را در شکل‌گیری خرده فرهنگ جرم را تایید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: جدایی‌گزینی فضایی، فقر، خرده فرهنگ جرم را

#### Study of spatial separation and the concentration of poverty in residential neighborhoods of ۱۳ District Municipality of District ۱۲

#### Abstract

In the present study, we intend to explore the spatial separation and its impact on the formation of a mass crime subculture in the ۱۳th district of the municipality of the ۱۲th district. Accordingly, the main objective of the research is the survey of the factors affecting spatial separation and the focus of poverty and Its effects are the formation of mass crimes subcultures through empirical testing and referring to documents and statistics and findings related to research. In this regard, the present study contains two main questions: First, the relation between space and social inequality and its implications on the separation of spatial options, and the focus of poverty and its effect on the emergence of subculture.

**Key words:** spatial separation, poverty, subculture, crime

تاریخ اکسپت: ۹۶/۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/ ۱۷

---

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری Mobasher<sup>۱۲</sup>@yahoo.com

## مقدمه

مفهوم عدالت یکی از مهمترین و مناقشه انگیزترین اصولی است که بر هر فعالیت اجتماعی از جمله شهرسازی تاثیر گذاشته و مباحث پدیده‌ای را موجب گردیده است؛ و شهر و شهرسازی معاصر را با چالش های تازه ای چون افزایش ناهنجاری های اجتماعی، کم رنگ شدن هویت و حس تعلق اجتماعی، گسترش مشکلات اکولوژی اجتماعی و محیطی، نابرابری های شگرف اجتماعی- اقتصادی و در مجموع کاهش کیفیت زندگی مواجه می کند. به رغم این که وجود نابرابری در استاندارد زیست در بین ساکنین یک شهر پدیده جدیدی در هیچ یک از شهرهای جهان نیست و می توان گفت که شهری در جهان وجود ندارد که فاقد جدایی گزینی نباشد اما در کشورهای کمتر توسعه یافته، به دلیل فاحش تر بودن تفاوت های اجتماعی- اقتصادی و پیدایش سکونتگاه های زیر استاندارد و گسترش خوش نشینی، تفاوت فضایی شهر تشدید شده است (عبدی دانشپور، ۱۳۷۸: ۳۷)، به همین دلیل گستردگی ابعاد و تغییر در ماهیت و پیچیدگی مسائل شهری به منظور حل پایدار آنها، اجتناب ناپذیر می نماید (صرافی ۱۳۸۰: ۷۳؛ حاجی پور، ۱۳۸۵: ۳۷). سکونت اقشار کم درآمد در مکان هایی که جاذب سایر گروه های اجتماعی نیست، به تمرکز فقر می انجامد و این فرایند به جدایی گزینی طبقه کم درآمد از سایر گروه های اجتماعی منجر می شود (شاه حسینی، ۱۳۴۸: ۱۵۸). که در بررسی مسائل شهری در قالب توسعه پایدار فرض بر این است، که چنانچه هزینه ای بدون در نظر گرفتن مکانیزم هایی برابری، صرف توسعه زیر ساخت ها، تجهیزات و خدمات شهری می شود. خود باعث تشدید نابرابری بین اقشار مختلف جمعیت شهری می گردد (بولاریات و همکاران،<sup>۱</sup> ۲۰۰۵: ۶۲۹). در کشورهای صنعتی تمام تسهیلات رفاهی اساسی، با هزینه ای مناسب در دسترس ساکنین شهری است. اما در مقابل اکثریت شهروندان در کشورهای در حال توسعه دسترسی مناسبی خدمات اساسی ندارد. در بسیاری از نواحی دارای رشد شهر نشینی شتابان کشورهای امروزی بحث عدالت اجتماعی در کانون مطالعات شهری در تمامی رشته های مرتبط قرار دارد. تحقق عدالت اجتماعی در شهرها در نهایت به رضایت شهروندان از شیوه زندگی خود منجر شده به ثبات سیاسی و اقتدار ملی کمک شایانی خواهد نمود. از نقطه نظر جغرافیایی عدالت اجتماعی شهر مترادف با توزیع فضایی عادلانه امکانات و منابع بین مناطق مختلف شهری در دستیابی برابر شهروندان به آنها است زیرا توزیع عادلانه آنها به بحران های اجتماعی

۱. Bolaryt & et al

و مشکلات پیچیده فضایی خواهد انجامید (شریفی، ۱۳۸۵: ۶). از طرف دیگر وجود نابرابری در کیفیت زندگی، گروه‌های مردم را متوجه گروه‌های مرجع نموده و مشکلات دیگری را ایجاد می‌کند (جاجرمی و کلت، ۱۳۸۵: ۷). که از دلایل مهم چنین توجه‌ای و کوششی به مقوله کیفیت زندگی شهری را می‌توان در پاسخ به سوال "تخصیص بهینه منابع کمیاب شهری جستجو کرد". در مورد منابع کمیاب و محدود، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان شهری نیازمند دستیابی به کاراترین و موثرترین روش توزیع این منابع کمیاب در تطابق و هماهنگی با نیازها و الویت‌های مردم در شهر و در سطح محلات می‌باشند. محله‌های شلوغ و پر جمعیت که در نتیجه ایجاد خانه‌های معقر و کوچک و به دور از چشمان ماموران شهرداری ایجاد می‌گردد و کانون بحران‌ها و معضلات اجتماعی هستند، فقر مادی و فرهنگی، ازدحام و شلوغی، بیکاری و ... از جمله عواملی هستند که زمینه را برای بزهکاری افراد فراهم می‌سازد. براین اساس پارک براین باور بود که نواحی شهری از انگیزه‌ها و گرایش ساکنان ممانعت می‌کند و انحرافات اجتماعی را سبب می‌شود. سازمان فیزیکی شهر تاثیری عمیق بر الگوهای فرهنگی-اجتماعی زندگی شهری دارد (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۶). منطقه ۱۲ شهرداری تهران، یکی از مناطق قدیمی شهر تهران محسوب می‌شود که در مرکز شهر تهران واقع شده است. این منطقه با برخورداری از ۱۶,۹۱ کیلومتر مربع مساحت، شامل ۶ ناحیه و ۱۳ محله بوده که از شمال به خیابان انقلاب، از جنوب به خیابان شوش، از شرق به خیابان ۱۷ شهریور و از غرب به خیابان وحدت اسلامی محدود شده است. (مهندسان مشاور مانیستار پارسه، ۱۳۹۲: ۱۴۴۲) بر اساس یافته‌های حاصل از سرشماری مرکز آمار در سال ۱۳۹۰، جمعیت ساکن در این منطقه، ۲۳۹۶۱۱ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

این پژوهش تلاش می‌شود تا ضمن تفکیک و سطح بندی محلات ۱۳ گانه منطقه ۱۲ از لحاظ وضعیت اقتصادی-اجتماعی ساکنین و الگوی توزیع فقر براساس شاخص قیمت مسکونی به سولات زیر پاسخ داده شود؛

- ۱- جدایی‌گزینی فضایی چه تاثیری در شرایط نابرابری اجتماعی محله‌های محلات ۱۳ گانه شهرداری منطقه ۱۲ دارد؟
- ۲- تاثیر جدایی‌گزینی فضایی در شکل‌گیری خرده فرهنگ جرم‌زا در سطح محلات سیزده گانه چگونه است؟

## پیشینه تحقیق

مفهوم عدالت اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ وارد ادبیات جغرافیایی شده، اما ریشه این نوع جغرافیای مردمی که جهت رسیدن به عدالت اجتماعی تلاش می کند، به پیشنهاد پیتروکرو پتکین در زمینه پیکار علیه فقر، ناسیونالیسم اروپایی و نژاد پرستی در بیش از یک قرن قبل بر می گردد (شکوهی، ۱۳۸۲: ۱۸۹). از دهه ۱۹۷۰ با افزایش طرفداران رادیکال این بحث به طور جدی در جغرافیا مطرح شد. به طوری که دیوید هاروی با کتاب "عدالت اجتماعی و شهر" و دیوید اسمیت با کتاب "جغرافیا و عدالت اجتماعی" این مفهوم را به طور جدی در جغرافیا مطرح نمودند (مرصوص، ۱۳۸۲: ۱۴).

به طور کلی بحث عدالت اجتماعی و نابرابری اجتماعی در ایران به صورت مستقیم و غیر مستقیم در مقالات ارائه شده به سمینارها، کنگره ها و مجلات ادواری جغرافیا دیده می شود که در زمینه های مختلف نابرابریهای جهانی، منطقه ای، درون شهری، روستا- شهری و نظایر آن قابل تقسیم است. اما مقالات و کتبی به زبان فارسی با بنیان های فلسفی به مسائل عدالت اجتماعی پرداخته باشند، محدوداند که از جمله این منابع می توان به آثار حسین شکوهی و دیوید هاروی اشاره کرد. آثاری که به نابرابری های درون شهری پرداخته اند عمدتاً به بحث حاشیه نشینی، مشاغل غیر رسمی، مسکن ارزان قیمت و چگونگی توزیع فضایی خدمات شهری پرداخته اند. در سال های اخیر رساله های چندی بر بی عدالتی های درون شهری را مورد بررسی قرار داده اند که از آن جمله می توان به رساله حسین حاتمی نژاد (۱۳۷۹)، نفیسه مرصوص (۱۳۸۲) و عبدالبنی شریفی (۱۳۸۵) اشاره کرد.

قطع نظر از آراء پراکنده ای که از سوی جامعه شناسان کلاسیک در خصوص نابرابری فضایی مطرح شده است با تامل بر آراء نسبتاً نظام یافته تری می توان نظریه های مطرح شده در مورد فضا و نابرابری اجتماعی را به دو دسته کارکردگرایی و قدرت تقسیم کرد (گراب،<sup>۱</sup> ۱۶۸۴).

الف) دیدگاه کارکردگرایی در فضا و نابری اجتماعی:

دیدگاه کارکرد گرایان نسبت به نابری اجتماعی در جغرافیای شهری بیشتر در قالب نظریات اکولوژیست ها مطرح شده است. در این مکتب در زندگی اجتماعی شهرها، طرح اکولوژی گیاهی ارنست هاگل به کار گرفته شده زیرا بنیان گذاران مکتب شیکاگو معتقدند گروه های

۱. Grabb

شهری با هر پایگاه اجتماعی و اقتصادی و قومی، مانند گونه‌های گیاهی با حرکت به سوی تعادل و توازن، همه مراحل اکولوژیک را در زیستگاه خویش در طول زمان طی می‌کنند (شکوهی، ۱۳۷۹: ۱۲۷). نظریه پردازان کارکردگرایی از وجه جهانی و همیشگی بودن نابرابری نتیجه می‌گیرند که نابرابری وجه اساسی هر سازمان اجتماعی است و ضرورتی است کارکردی موثر جامعه ایفای نقش می‌کند. دیویس و مور دو ملاک عمده را برای اهمیت کارکردی یک موقعیت ارائه می‌کنند: ۱- میزان کمیابی موقعیت در مقایسه با سایر موقعیت‌ها، ۲- میزان وابستگی سایر موقعیت‌ها به موقعیت مورد نظر. از دیدگاه آنان نابرابری اجتماعی طرحی نا آگاهانه است که از طریق آن جوامع مطمئن می‌شوند که مهمترین موقعیت‌ها به طور خود آگاه توسط شایسته‌ترین افراد اشغال خواهد شد (افراغ، ۱۳۷۷: ۱۷۲).

به عقیده پارک، فرایند‌های طبیعی و درونی شهر به گونه‌ای بر رقابت بر سر منابع کمیاب بر می‌گردد که در نهایت به انطباق اکولوژیک می‌انجامد. رقابت در اجتماع برای ایجاد تعادل اجتماعی است. رقابت بین افراد و گروه‌های شغلی و طبقاتی به همکاری رقابت‌آمیز از طریق تمایز یافتگی کارکردی، به طور فضایی نیز تبلور پیدا می‌کند زیرا رقابت نه تنها باعث تقسیم کار می‌شود بلکه گروه‌های مختلف اقتصادی را به نواحی گوناگون شهر می‌پراکند. به عقیده وی فشار بر فضا در مرکز شهر باعث افزایش ارزش زمین می‌شود و تفاوت در ارزش زمین مکانیزی است که توسط آن گروه‌های مختلف کارکردی در فضا به شیوه‌ای منظم و بدون برنامه‌ریزی پخش می‌شود (همان منبع، ۲۰۳-۲۰۲).

(ب) دیدگاه قدرت در فضا و نابرابری اجتماعی:

به نظر مارکس بر مبنای موقعیت‌ها و وظایف گوناگونی که افراد در ساختار تولید جامعه دارند، طبقه اجتماعی شکل می‌گیرد. دو عامل اصلی در تشکیل طبقه اجتماعی دخیل است: شیوه تولید و مناسبات تولید، در نگاه مارکس، داشتن موقعیت‌های متفاوت در ارتباط با وسایل تولید، میان افراد جامعه تضاد ایجاد می‌کند (تامین، ۱۳۷۳: ۶-۷).

مارکس و انگلس فضای شهری را قلمرویی می‌دیدند که فرایندهای درهم‌تنیده انباشت سرمایه و ستیز طبقاتی در آن تمرکز می‌یابد. در شهرهای بزرگ، تجارت، تولید کارخانه‌ای تمرکز مالکیت و تمرکز جمعیت به بالاترین حد خود می‌رسد و یک طبقه عینی و یک طبقه فقیر ظاهر می‌شود. در شهرها گرایش سرمایه به تمرکز و گرایش طبقات اجتماعی به قطبی شدن، عینیت و گسترش می‌یابد. در مجموع دو نکته به طور اخص در دیدگاه مارکس موجود

است که مبرهن شدن رابطه فضا و نابرابری اجتماعی را یاری می دهد: اول نگاه وی به شهر از بعد تولید، انباشت و تمرکز سرمایه، دوم توجه به شهر به مثابه زمینه ای برای تمرکز اکولوژیک طبقه کارگر و در نتیجه ظهور خود آگاهی طبقاتی به مثابه عامل مهم در شکل گیری طبقات است (افراغ، ۱۳۷۷: ۲۰۵-۲۰۴).

برعکس تفسیر مارکس از پیدایش نابرابریهای اجتماع بر پایه بعد اقتصادی که او آن را مهمترین سازه در زندگی اجتماعی می دید، ماکس وبر بر این باور بود که ارائه یک تفسیر تک بعدی از پدیده اجتماعی پیچیده ای چون نابرابری های اجتماعی از اهمیت این پدیده می کاهد (کمالی، ۱۳۷۹: ۱۰۸) و بر اهمیت شاخص های اقتصادی را رشد نابرابری های اجتماع نادیده نمی گیرد. برای او نیز چون مارکس، مالکیت نقش تعیین کننده ای در توزیع امکانات عرضه شده به فرد یا به طبقه ایفاء می کند. با این وصف، او به این بعد اقتصادی دو بعد دیگر اضافه می کند: قدرت و حیثیت. در نگاه او مالکیت و قدرت و حیثیت با وجود وابستگی متقابل شان سه بنیان متمایزند که بر روی آنها نظام قشربندی در هر جامعه ای سامان می یابد. تفاوت در برخورداری از مالکیت اموال منشاء طبقه بندی اجتماعی است. تقسیم نابرابری قدرت به تشکیل احزاب سیاسی می انجامد و درجات حیثیت گوناگون منشاء پیدایش قشرهای اجتماعی است که از دارندگان پایگاه های اجتماعی مشابه تشکیل شده اند (تامین، ۱۳۷۹، ۱۰-۹). اوری در شکل گیری طبقات اجتماعی ریشه های آن را صرفاً در عرصه تولید جستجو نمی کند، بلکه به عرصه های سیاسی یا دوات و جامعه مدنی نیز توجه دارد، اوری عرصه گردش (تولید، مبادله و مصرف)، عرصه بز تولید (زیستی، اقتصاد و فرهنگی) و عرصه مبارزه و ستیز (بین افراد، گروه ها و طبقات و ...) را عرصه های متداخل جامعه مدنی می داند (Urry, op, cit: ۳۱). مسی و ایگرز در مقاله ای خود تحت عنوان اکولوژی نابرابری: اقلیت ها و تمرکز فقر درکل، تمرکز فقر در آمریکا را معلول تعامل بین تغییرات در ساخت توزیعی درآمد از یک سو والگو جدایی گزینی قومی و نژادی از سوی دیگر می دانند (مسی و ایگرز، ۱۹۹۰).

فقر را می توان از زوایایی مختلفی مورد بحث و بررسی قرار داد به نظر نگارنده مطالعاتی که تا کنون در مورد فقر صورت گرفته است بیشتر از زاویه نگرش اقتصادی بوده و معمولاً فرایند یکنواختی را دنبال کرده است. باید در زمینه فقر حداقل دو زاویه نگرش اقتصادی و اجتماعی، با هم کاری و وام گیری از یکدیگر تحلیل جامعه تری ارائه نمایند.

در میان جامعه‌شناسان سه مفهوم و تبیین از فقر وجود دارد. یک دسته معرف به چشم انداز فرهنگی، دسته دوم معرف چشم انداز موقعیتی و دسته سوم که از سوی واکسمن ارائه شده است و معرف چشم انداز ربطی است؛

الف) چشم انداز فرهنگی: این دسته از جامعه‌شناسان اعتقاد بر این دارند که طبقه پایین الگو رفتاری و ارزشی خاص خود را بروز می‌دهند که خصاتاً با جامعه و فرهنگ غالب متفاوت است. این الگوهای یگانه رفتاری و ارزشی از طریق اجتماعی شدن انتقال یافته و به عنوان شاخص خرده فرهنگ پایگاه اقتصادی\_ اجتماعی فقرا محسوب می‌شوند. این دسته از جامعه‌شناسان با استناد به میزان جرم و تخلف در طبقات پایین، شدت و نوع بیماری روانی، وضعیت آموزشی و تحصیلی و بعد خانوار این طبقات نتیجه می‌گیرند که اینها همه از الگوهای رفتاری و ارزشی خاص طبقه پایین که سالها از قدمتش گذشته و نسل به نسل انتقال یافته نشات می‌گیرد (هولینگ‌شد و ریدلیچ،<sup>۱</sup> ۱۹۵۸).

شیلر چشم انداز فرهنگ‌گرایی تبیین فقرا را تحت عنوان دیگری به نام "منش ناقص" معرفی می‌کند، از این منظر، فقر نتیجه طبیعی نقص‌های فردی در اشتیاق و توانایی و یا به تعبیر امروزی تر انگیزه و اخلاق کاری است (شیلر،<sup>۲</sup> ۱۹۸۰: ۴).

ب) چشم انداز موقعیتی: این دیدگاه بر این باور است که علت فقر را باید در نیروهای خارج از کنترل فرد جستجو کرد. پته‌الکاک معتقد است که فقر قسمتی از سوال گسترده تر ما درباره ساخت و توزیع منابع در جامعه، قدرت کنترل و استفاده از اینها است. بنابراین، سوال فقر به شدت مرتبط است با سوال نابرابری و قدرت (آلکاک،<sup>۳</sup> ۱۹۸۷: ۹۰).

ج) چشم انداز ربطی: واکسمن چشم انداز خود را به اختصار اینگونه تعریف می‌کند: "این چشم انداز بر پایه درک موقعیت فقر در چارچوب ساخت اجتماعی، نگرش‌ها و اعمال فقیر نسبت به فقیر و تاثیرات این نگرش‌ها و کنش‌ها بر فقرا استوار است." (واکسمن،<sup>۴</sup> ۱۹۸۳: ۳).  
زیمل معتقد است که فقیر به عنوان یک سنخ اجتماعی تنها زمانی پدید می‌آید که جامعه، فقر را به عنوان یک منزلت اجتماعی خاص به رسمیت شناسد و اشخاص خاصی را ملزم به دستگیری از فقیران کند (زیمل در لويس‌کوزر، ۲۵۵: ۱۳۷۰). این جامعه است که سنخ اجتماعی فقیر را به می‌آفریند و به او منزات ویژه‌ای می‌بخشد که تنها با صفات منفی قابل

۱. Hollingshead & Redlich

۲. Alcock

۳. Schiller

۴. Waxman

تشخیص است، یعنی با صفاتی که دارندگان منزلت های دیگری اجتماعی فاقد آن هستند (همان منبع، ۲۵۵).

نظریه فقر اسکار لویس: در این نظریه فقرا دارای مختصاتی فرض شده اند که پیامد محتوم و اجتناب ناپذیر اکثر آنها محدود شدن شبکه روابط اجتماعی، افزایش بی اعتمادی اجتماعی، ایجاد انزوای اجتماعی و تضعیف پیوندهای اجتماعی، و به سخن دیگر؛ کاهش سرمایه اجتماعی یا ممانعت از شکل گیری آن است. از نظر لویس افراد دارای خرده فرهنگ فقر در جامعه بزرگ درگیر نمی شوند یا فاصله خود با آنان حفظ می کنند (زاهدی، ۱۳۸۶: ۲۳۴-۲۳۳).

### مبانی نظری

عوامل موثر بر جدایی گزینی های فضایی که در سه عرصه نظم اقتصادی، نظم سیاسی و نظم زیستی- اجتماعی قابل بررسی است که تماماً می توانند به تمرکز فقر در محله های موردی خاص به گتوها و زاغه ها و مخروبه ها شهری بیانجامد. دی. تی. هربرت معتقد است که توزیع رفتارهای کجرو، همبستگی ثابتی با ویژگی های خاصی از محیط اجتماعی- فضایی دارد، به گونه ای که ناحیه مسکونی می تواند شاخص معتبری برای گروه های اجتماعی مختلف باشد. توزیع فضایی کجروی را تنها نمی توان از شناخت میزان کجروی گروه های اجتماعی و آرایش فضایی این گروه ها پیش بینی کرد، بلکه خصلت های فضایی محیط نیز در درک توزیع جغرافیایی رفتارهای کجرو نقش دارد (هلبرت،<sup>۱</sup> ۱۹۷۶: ۸۹).

فضاهای محله های فقیر نشین همانند سایر محله ها، زمینه ای اجتماعی برای تعاملات روزمره است. افراد در این تعاملات، به دنبال اطلاعاتی در مورد منزلت خود، گرایشات کلی و خودپنداری هستند. بین آگاهی، زبان و هویت با زمینه اجتماعی و خصلت های آن تعاملی متقابل وجود دارد. در همین رابطه گروه های مرجع در زمینه های اجتماعی به مثابه ابزاری برای تثبیت هویت های شخصیتی اهمیت خاصی دارند. طبقات متوسط گروه مرجع طبقات اجتماعی پایین تر در محله ها محسوب می شوند. طبقات متوسط به عنوان "دیگران تعمیم یافته" برای طبقات پایین در محله ایفای نقش می کنند و یکی از معانی عمده تاثیر محله ای یا همسایگی نیز همین گروه مرجع واقع شدن طبقات متوسط است.

فرضیه های مربوط به تمرکز فقر و خرده فرهنگ بزهکار:

۱. Herbert



- ۱- بین جدایی‌گزینی فضایی با تمرکز فقر رابطه وجود دارد.
- ۲- بین تمرکز فقر و پیدایش خرده فرهنگ کجرو و یا جرم‌زا رابطه مستقیم وجود دارد. هر چه تمرکز فقر بیشتر، احتمال شکل‌گیری خرده فرهنگ جرم‌زا بیشتر است.
- ۳- بین خرده فرهنگ جرم‌زا در رفتار کجرو رابطه وجود دارد.

تعریف مفهوم متغیرها:

جدایی‌گزینی فضایی: تمایل اداری و اجباری اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی به جدایی فیزیکی از یکدیگر در عرصه‌های مختلف زندگی (در این تحقیق عمدتاً بر جدایی‌گزینی فضایی در عرصه محله تأکید می‌شود).

تمرکز فقر: در این تحقیق به منظور تمرکز فقر، تجمع و تراکم بیش از حد معمولی و متعارف فقیران در یک محله مسکونی است.

خرده فرهنگ: نظام فرهنگی (زبان، هنجارها، ارزش‌ها، وجدان جمعی، الگوها، حرکات و اداها رفتاری سبک زندگی و ...) گروهی که به رغم برخورداری از عناصر مشترک، تا حدودی در شکل و محتوا متفاوت با نظام فرهنگ غالب یا مورد قبول اکثریت است. رابریستون، خرده فرهنگ را گروهی تعریف می‌کند که به رغم اشتراک در یک فرهنگ جامع از یک جامعه مشترک، برخورداری از ارزش‌ها، هنجارها و سبک زندگی خاص خود نیز می‌باشد (رابریستون، ۱۳۷۲: ۴۲۳)

کجروی: شیوه‌های رفتاری که سازگاری با ارزش‌های اکثر اعضای یک گروه یا جامعه نیست، آنچه رفتار کجرو محسوب می‌شود، به همان اندازه هنجارها و ارزش‌هایی که فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد، متغیر است. بسیاری از اشکال رفتاری که در یک زمینه یا توسط یک گروه مورد احترام است، توسط دیگران با دید منفی نگاه می‌شود (همان منبع، ۷۲۶).

رفتارهای کجرو در جامعه‌شناسی در ذیل عنوان گسترده‌تر مسائل اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد. به تعبیر رابرت نیزبت، مساله اجتماعی یک شیوه رفتاری است که سوی بخش قابل توجهی از نظام اجتماعی، ناقص یک یا چند هنجار مورد قبول جامعه، شناخته می‌شود. بعضی از مددکاران اجتماعی برای تدوین و فرمول‌بندی نظریه ساترلند، ابتدا "حوزه تخلف" و سپس حوزه "خرده فرهنگ جرم‌زا" را مطرح کرده‌اند که در آن حوزه‌ها، عقاید جرم‌زا

رفتارهای کجرو متداول تر از سایر حوزه ها است. پارک، شاپو و مک کی معتقدند که در نواحی و محلات کثیف، اعمال جنایی به شکل طبیعی جلوه می کند (مساواتی، آذر، ۱۳۷۴: ۲۳)

خرده فرهنگ کجرو یا جرم زا: خرده فرهنگی که اعضای به اصطلاح کجرو جامعه متفاوت با نظام فرهنگی غالب یا مورد قبول اکثریت جامعه، برخوردار از آن می باشند.

رفتار کجرو: رفتاری است که به شکل بارز با هنجارهای اجتماعی موجود برای همان رفتار متفاوت است.

محله: چون زمینه فیزیکی- فضایی مطالعه ما محله است، تعریف اجمالی از محله ضروری است:

جغرافی دانان اجتماعی\_ محله را خانه های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص تعریف می کنند. برای تشکیل یک محله شهری شرایط چندی لازم است: ۱) دارا بودن یک حوزه جغرافیایی از شهر با وسعت کم یا زیاد، ۲) پیدایش و تکوین یک اجتماع کوچک از گروهی از مردم شهر، ۳) وابستگی اجتماعی میان گروه از مردم (شکوهی، ۱۳۶۵، ۴۹-۴۸) بعلاوه حس مکانی ناشی از زندگی محله ای عنصر چهارمی را می طلبد و آن ۴) حصار ذهنی محله است که در ذهنیت افراد ساکن محله وجود دارد.

شاخص تمرکز فقر:

ویلیام جی. ویلسون، نواحی و محله هایی که حداقل ۲۰ درصد خانوارهای آن، درآمد زیر خط فقر دارند محله ای با تمرکز فقر تعریف می کند (ویلسون،<sup>۱</sup> ۱۹۸۷) طبیعی است، هرچه این درصد بیشتر باشد میزان تمرکز فقر بیشتر خواهد بود.

چون محور تحقیق، فقیران و انزوای فضایی آن ها از سایر طبقات درآمدی است، بنابراین، از یک سو باید به دنبال شاخص های تعامل بین خانواده های فقیر با گروه های درآمدی دیگر برد و از سوی دیگر باید به شاخص انزوا در میان فقیران توجه کرد.

شاخص خرده فرهنگ کجرو:

با توجه به رابطه ای که در واقعیت بین فقیران و بعضی از جرائم و کجرو رفتاری های اجتماعی تعریف شده وجود دارد، فرهنگ گرایان در تبیین این رابطه معتقدند که عامل اصلی تمایل به کجرفتاری در طبقات پایین، خرده فرهنگ این طبقات است. ارزش های و الگوهای رفتاری این طبقه به گونه ای است که آمادگی لازم برای ارتکاب به رفتارهای جرم گونه را در آنها ایجاد می

۱. Wilson

کند. قطع نظر از بی‌توجهی فرهنگ‌گرایان به زمینه‌های پیدایی و مکانیزم شکل‌گیری این خرده فرهنگ به رغم فقدان یک به یک بین ارزش‌ها و رفتار، مقوله خرده فرهنگ طبقاتی پایین از بار تبیینی بالایی در تمایل به نوع خاصی از کجرفتاری‌ها برخوردار است. در مجموع خرده فرهنگ را می‌توان با شاخص‌هایی از قبیل تمایل به ریسک کردن، خشن بودن، قدرت‌گرایی، اولویت به نیازهای جسمانی، لاقیدی و بی‌بندوباری نسبت به تربیت فرزندان و آموزش‌های رسمی، غیرکلامی بودن در تربیت کودکان و برخورداری از واژگان محدود با الفاظی تحریک‌آمیز، بنده لحظه‌ها بودن، وعده تعویق خوشی‌های لحظه‌ای به آینده و بی‌تفاوتی نسبت به کمبودها و نواقص محیطی اندازه گرفت. بنابراین، مقولات مربوط به تکنیک یا تکنیک‌های انتخابی ما در خصوص جمع‌آوری داده‌ها مربوط به خرده فرهنگ کجرو، ناظر به شاخص‌های فوق می‌باشد.

### روش‌شناسی

روش این تحقیق اسنادی و پیمایشی است. برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه منظم و پرسش‌نامه استفاده گردید.

جامعه آماری این پژوهش را ساکنان محلات سیزده گانه شهرداری منطقه ۱۲ شامل چهار محله هرنودی، سنگلج، پامنار و مام زاده یحیی را تشکیل می‌دهند. حجم نمونه در این تحقیق، ۱۲۰ نفر می‌باشد.

در مورد شیوه نمونه‌گیری نیز، باید ادعان داشت که در این مطالعه، از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای جهت انتخاب نمونه آماری و تکمیل پرسش‌نامه استفاده شد.

### یافته‌ها

یافته‌های توصیفی متغیرهای زمینه‌ای تحقیق نشان داد که اکثر پاسخ‌گویان مرد (۹۵ درصد) و متوسط سن آن‌ها ۴۳ سال بوده‌اند. این در حالی است که اکثر پاسخ‌گویان (۷۵/۲ درصد) تعداد اعضای خانواده شان بالای ۳ نفر بود. در مقابل ۵۰ درصد از آن‌ها نیز از میزان تحصیلات دیپلم و کم‌تر از آن برخوردار بوده‌اند. هم‌چنین، وضعیت قومی و محل تولد اکثر پاسخ‌گویان (۶۸ درصد) مهاجر بوده‌اند.

در این مطالعه به منظور سنجش رابطه مولفه‌های پژوهش، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، استفاده شده است.

آزمون فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین جدایی‌گزینی فضایی و نابرابری اجتماعی محلات سیزده گانه شهرداری منطقه ۱۲ رابطه وجود دارد.

جدول ۱: آزمون ضریب همبستگی جدایی‌گزینی فضایی و نابرابری اجتماعی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری (P)
جدایی‌گزینی فضایی و نابرابری اجتماعی	۱۴/۶۱	۶/۱۲	۰/۵۷	۰/۰۰۰

جدول ۱ نشان دهنده ضریب همبستگی بین متغیرهای جدایی‌گزینی فضایی و نابرابری اجتماعی می‌باشد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که رابطه معناداری بین دو متغیر با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کم‌تر از ۰/۰۵ درصد وجود دارد.

آزمون فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین جدایی‌گزینی و شکل‌گیری خرده فرهنگ جرم‌زا در سطح محلات سیزده گانه شهرداری منطقه ۱۲ رابطه وجود دارد.

جدول ۲: آزمون ضریب همبستگی جدایی‌گزینی و شکل‌گیری خرده فرهنگ جرم‌زا

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری (P)
جدایی‌گزینی و شکل‌گیری خرده فرهنگ جرم‌زا	۱۵/۳۶	۵/۹۵	۰/۶۳	۰/۰۰۰

جدول شماره ۲ نشان دهنده ضریب همبستگی بین متغیرهای جدایی‌گزینی و شکل‌گیری خرده فرهنگ جرم‌زا می‌باشد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که رابطه معناداری بین دو متغیر با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کم‌تر از ۰/۰۵ درصد وجود دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

سکونت اقشار کم درآمد در مکان‌هایی که جاذب سایر گروه‌های اجتماعی نیست، به تمرکز فقر می‌انجامد و این فرایند به جدایی‌گزینی طبقه کم درآمد از سایر گروه‌های اجتماعی منجر می‌شود. عوامل موثر بر جدایی‌گزینی‌های فضایی که در سه عرصه نظم اقتصادی، نظم سیاسی و نظم زیستی - اجتماعی قابل بررسی است که تماماً می‌توانند به تمرکز فقر در محله‌های موردی خاص به گتوها و زاغه‌ها و مخروبه‌ها شهری بیانجامد. روش این تحقیق اسنادی و پیمایشی بوده که ساکنان چهار محله شهرداری منطقه ۱۲ را تشکیل می‌دادند. ضریب همبستگی بین متغیرهای جدایی‌گزینی با نابرابری اجتماعی و شکل‌گیری خرده فرهنگ جرم‌زا می‌باشد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که رابطه معناداری بین دو متغیر با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کم‌تر از ۰/۰۵ درصد وجود دارد. هدف آن است که پیشنهادات تحقیق با توجه به مطالعات نظری و یافته‌های تجربی تحقیق بدست آید، از این رو با توجه به نتایج تحقیق می‌توان پیشنهادهای ذیل مطرح است:

- ۱- گسترش خدمات عمومی و امکانات و تسهیلات در محلات شهری به طور یکسان
- ۲- توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین و فقرزدایی از محله‌های موردی خاص مانند زاغه‌ها
- ۳- ایجاد عدالت اجتماعی در محلات شهری

## منابع

## فارسی

- افرغ، عماد، (۱۳۷۷)، فضا و نابرابری اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- تامین، ملوین، (۱۳۷۳)، جامعه شناسی قشریندی و نابرابری اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، نشر توتیا
- جاجرمی، کاظم و ابراهیم کلتی، (۱۳۸۵)، سنجش وضعیت شاخص های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان، مطالعه موردی: گنبد قابوس، مجله جغرافیا و توسعه، سال چهارم، شماره ۸، صص ۱-۱۸.
- زاهدی، محمد جواد، (۱۳۸۶)، توسعه و نابرابری، تهران، انتشارات مازیار.
- شاه حسینی، پروانه، (۱۳۸۴)، سکونتگاه خودرو و امنیت اجتماعی: شهر پاکدشت، مجله جغرافیا و توسعه، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۵۷-۱۷۲.
- شریف زادگان، محمدحسین، (۱۳۸۵)، راهبردهای توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۹-۲۹.
- شریفی، عبدالنبی، (۱۳۸۵)، عدالت اجتماعی و شهر: تحلیلی بر نابرابری های منطقه ای در شهر اهواز، پایان نامه دوره دکتری جغرافیا گرایش برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران.
- شکویی، حسین، (۱۳۷۹)، دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- شکویی، حسین، (۱۳۸۲)، اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، جلد دوم؛ فلسفه های محیطی و مکتب های جغرافیایی، انتشارات گیتا شناسی.
- عبدی دانشپور، زهره، (۱۳۷۸)، تحلیل عدم تعادل فضایی در شهرها، مورد مطالعه تهران، نشریه صفا، سال نهم، شماره ۲۹، صص ۳۴-۵۷.
- کمالی، علی، (۱۳۷۶)، مقدمه ای بر جامعه شناسی نابرابری های اجتماعی انتشارات سمت، تهران.
- مرصوص، نفیسه، (۱۳۸۲)، تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران، پایان نامه دوره دکتری جغرافیا گرایش برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.

## انگلیسی

- Alcock, Pete. Poverty & state Support. New York: Longman Inc: ۱۹۸۷
- Blory, J. et al., ۲۰۰۰. Urban Environment Spatial Fragmentation and Social Segregation in Latin America: where Does Innovation Lie? Habitat International, ۲۹, pp ۶۲۷-۶۴۰.
- Grabb, Edward E. Social Inequality , Classical & Contemporary theories. U.S.A: Holt, Reinhard & Winston of Canada ۱۹۸۴
- Holling Slead, August & F.C Redlich .Social Class & mental illness. New York: John Wiley. ۱۹۵۸
- Waxman, Chaim I . The Stigma of Poverty. U.S.A Pergamon Press Inc. ۱۹۸۳.